

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 33, autumn 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## Semantic link of Irony and non-verbal communication in Ferdowsī's *Shāhnāmeḥ*

Jamshidi.Zahra<sup>1\*</sup> -Arta. Seyyed Mohammad<sup>2</sup>

1: Assistant Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran: Correspondence author ([z.jamshidi@hsu.ac.ir](mailto:z.jamshidi@hsu.ac.ir))

2: PhD in Persian language and literature, Razi University, Kermanshah. Iran.

As a literary element, irony initially brings to mind two apparent and real meanings and leaves the reader's understanding in suspense, postponing his/her reception. From the point of view of aesthetics, irony creates artistic beauty through imagery and thus has a special status in literature; poets have taken advantage of it in order to avoid direct and explicit expression and convey their intended meaning implicitly. Non-verbal communication and body language is also one of the manifestations of common everyday language, which is considered a helpful element; non-verbal behavior can be used along with verbal communication to convey one's intention to the audience better, more accurately and sometimes more effectively. Various reasons can be listed for the fascinating influence of irony in speech, one of which is the close connection of irony with non-verbal behaviors and the semantic connection and conceptual dependence of these two categories. In the present essay, the authors investigated the ironies derived from the meaning behind non-verbal behaviors with a descriptive-analytical method Ferdowsī's *Shāhnāmeḥ* as a case study. It was concluded that a large part of the ironies was adapted from non-verbal behaviors; there are comprehensible semantic relationships between these two categories, and understanding these semantic link between these two categories of literature and language leads to the discovery of a subtle link between literary and ordinary language. Postures, facial expressions and gestures, environment and physical appearance are the most frequent behaviors through which iron in the *Shāhnāmeḥ* has been received.

**Keywords:** rhetoric, irony, non-verbal behaviors, *Shāhnāmeḥ*.

- Z. Jamshidi, S.M. Arta (2023). Semantic link of Irony and non-verbal communication in Ferdowsī's *Shāhnāmeḥ*, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(33), 91-116.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29624.2238](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29624.2238)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۳ - پاییز ۱۴۰۲

صفحات ۹۱ - ۱۱۶ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

## پیوند معنایی کنایات و ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه فردوسی

زهرا جمشیدی<sup>۱</sup> / سیدمحمد آرتا<sup>۲</sup>

۱: استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار. ایران (نویسنده مسئول)

[z.jamshidi@hsu.ac.ir](mailto:z.jamshidi@hsu.ac.ir)

۲: دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه. ایران.

**چکیده:** کنایه به عنوان یک عنصر ادبی، دو معنای ظاهری و باطنی را به ذهن متبادر می‌کند و درک خواننده را در تعلق می‌گذارد و دریافت او را به تعویق می‌اندازد. از منظر زیباشناسی نیز چون تصویرساز است، زیبایی هنری می‌آفریند؛ از این رو، کنایه در ادبیات، جایگاه خاصی دارد و شاعران برای جلوگیری از بیان صریح و مستقیم، از آن بهره‌های فراوانی برده‌اند و مقصود و مافی‌الضمیر خود را در قالب این شیوه بیانی مطرح کرده‌اند. ارتباطات غیر کلامی و زبان بدن نیز یکی از مظاهر زبان عادی و روزمره است که عنصری یاریگر تلقی می‌شود؛ بدین معنی که می‌توان رفتار غیر کلامی را در کنار ارتباط کلامی به کار گرفت و به کمک آن، مقصود خود را بهتر، دقیق‌تر و گاهی مؤثرتر به مخاطب منتقل کرد. یکی از دلایل تأثیرگذاری شگرف کنایه در کلام، ارتباط تنگاتنگ آن با رفتارهای غیر کلامی و پیوند معنایی و بستگی مفهومی این دو مقوله با یکدیگر است. نگارندگان در جستار حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس شاهنامه فردوسی، به بررسی کنایه‌های برگرفته از مفهوم رفتارهای غیر کلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بخش عظیمی از کنایه‌ها، از مفهوم رفتارهای غیر کلامی اقتباس شده و میان این دو مقوله، مناسبات معنایی درک‌پذیری وجود دارد. درک ارتباط معنایی این دو مقوله ادبی و زبانی، منجر به کشف ارتباط ظریفی میان زبان ادبی و زبان عادی می‌شود. رفتارهای حرکتی، حالات چهره، محیط و ظاهر فیزیکی، به ترتیب، پربسامدترین رفتارهایی هستند که کنایه‌های شاهنامه از آن‌ها دریافت شده است.

**کلیدواژه:** بلاغت، کنایه، رفتارهای غیر کلامی، شاهنامه.

- جمشیدی، زهرا؛ آرتا، سیدمحمد (۱۴۰۲). پیوند معنایی کنایات و ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه فردوسی.

مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۳، صفحات ۹۱-۱۱۶.

Doi: [10.22075/jlrs.2023.29624.2238](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29624.2238)

## ۱. مقدمه

کنایه از جمله صور خیالی است که از گذشته تا امروز کاربرد بسیار وسیعی در متون ادبی و زبان روزمره داشته است و شعرا و نویسندگان و حتی خطیبان در آثار ادبی و خطابه‌های خود به منظور تقویت جنبه‌های بلاغی کلام و تأثیر بیشتر سخن بر مخاطب، از آن استفاده‌های گوناگونی کرده‌اند؛ به همین دلیل، کنایه در حوزه علوم ادبی و بلاغی جایگاه درخوری یافته و کشف و شناخت کنایه‌ها و معرفتی ابعاد مختلف آن، همواره یکی از دغدغه‌های اصحاب بلاغت و پژوهشگران بوده است؛ زیرا کنایه با راز و رمزهایی زبانی و بلاغی در آمیخته است که کشف این راز و رمزها به التذاذ ادبی خواننده می‌انجامد.

کنایه، ترک صریح گفتن، همراه با پیچش‌های زبانی است، به گونه‌ای که گوینده، مقصود خود را در الفاظی می‌پیچد و به مخاطب منتقل می‌کند. پیچیدگی‌های زبانی و دوپهلوبودن کنایه موجب شده فهم آن از سوی مخاطب دشوار شود و ذهن خواننده یا شنونده برای کشف و درک معنای نهفته در کنایه، به کنکاش و کنجکاوی متمایل گردد و همین ابهام و تعلیق ذهنی، موجب خلق زیبایی می‌شود. این پیچیدگی و تعقید کنایه سبب شده تعریف و کشف سویه‌های پنهان آن برای صاحب‌نظران و ارباب فن، دشوار شود و تا امروز، نظرها و تعریف‌های گوناگونی در این باب ارائه گردد.

اگرچه تعاریف گذشتگان، بخش‌های زیادی از مبحث کنایه را روشن کرده، در بسیاری موارد نیز تعاریف کنایه و ملاک‌ها و محک‌های شناخت آن، چندان دقیق و علمی نبوده است؛ برای نمونه، کنایه را بیشتر در متون و کلام ادبی جست‌وجو کرده‌اند و کمتر به خاستگاه آن پرداخته‌اند. یکی از مباحثی که در درک کنایه بسیار مهم است، شناخت خاستگاه کنایات و معناهای نهفته در آن‌هاست. در طول زمان برای کنایه‌ها آبخشورهای اسطوره‌ای، فرهنگی، ادبی و زبانی قائل شده‌اند؛ اما باید گفت که یکی از اساسی‌ترین آبخشورهای کنایه‌های زبان فارسی، عناصر غیر کلامی و زبان بدن است.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند کنایه‌های فراوانی از زبان عادی و زبان خودکار وارد زبان ادبی شده‌اند و شاعران و نویسندگان، تنها توانسته‌اند در آن تغییراتی ایجاد کنند (رک: صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲۸ و ۱۲۹). نکته حائز اهمیت این است که از حوزه ارتباطات غیر کلامی و زبان بدن نیز کنایه‌های فراوانی روانه زبان ادبی و متون فاخر ادبی شده که این موضوع تاکنون مغفول مانده است. اهمیت شناخت ارتباط میان کنایه و رفتارهای غیر کلامی و فقر پژوهشی موجود در این زمینه باعث شد در این نوشتار به تحلیل و بررسی ارتباط این دو مقوله ادبی و فرازبانی پردازیم و سویه‌های پنهان و ظریف این رابطه را باز نماییم. چون شاهنامه فردوسی یکی از فاخرترین آثار ادبی است و با راز و رمزهای زبانی و بلاغی فراوانی در آمیخته است، این اثر سترگ را به عنوان زمینه پژوهش حاضر قرار داده‌ایم.

#### ۱-۱. پیشینه تحقیق

جست‌وجو در منابع اطلاعاتی نشان می‌دهد تحقیقاتی در حوزه کنایه و تحلیل آن از منظر زبان و علم زبان‌شناسی و نیز کنایه و شگردهای هنری و ادبی و تقسیم‌بندی آن در شاهنامه فردوسی انجام شده است. وحیدیان کامیار (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «کنایه، نقاشی زبان»، به بُعد نمایشی و نقاشی‌وار کنایه اشاره کرده و معتقد است شاعر با کنایه می‌تواند در قالب یک نقاشی یا تصویر، با مخاطب ارتباط برقرار کند.

لاری دشتی، (۱۳۷۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «فرهنگ کنایات شاهنامه فردوسی»، پس از تعریف کنایه و انواع آن، کنایه‌های شاهنامه فردوسی را استخراج و معرفی کرده است.

حدیور و شفیعی‌اقدم (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی کنایات شاهنامه در بخش تاریخی»، به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر کنایات استخراج‌شده بخش مذکور، کنایه فعلی از نوع ایما هستند و بخش زیادی از کنایه‌ها در زبان امروز هم استفاده می‌شوند و بخشی دیگر، مخصوص متون ادبی حماسی‌اند.

رزاقی شانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی ساختار کنایه از دیدگاه زبان‌شناسی پرداخته است. برآیند پژوهش او این است که کنایه در ساخت‌های مختلفی ظاهر می‌شود و برخلاف نظر برخی از علمای بلاغت که اعتقاد دارند کنایه در ترکیب و جمله است نه در واژه ساده، کنایه در واژه‌های ساده نیز به کار می‌رود.

محسنی و جعفری پطروودی (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش کنایه در ارتباط‌های غیر کلامی تاریخ بیهقی»، به این موضوع پرداخته‌اند که بیهقی برای طرح مؤثرتر معنا با ارتباط غیر کلامی، به پیوند این شیوه با استفاده از دست‌مایه‌های بیانی، از جمله کنایه پرداخته است. در این مقاله، به نقش کنایه مصدری در ارتباطات غیر کلامی تاریخ بیهقی تأکید شده است.

«کارکرد هنری کنایه در شاهنامه فردوسی»، عنوان مقاله‌ای از بهمنی و همکاران (۱۳۹۶) است. در این مقاله، نویسندگان به بررسی توانایی فردوسی در آمیختن کنایه با دیگر شگردهای ادبی، از جمله تشبیه، استعاره، ایهام، تکرار، جناس و... پرداخته و همین امر را برای اثبات قدرت زبان‌آوری فردوسی کافی دانسته‌اند.

سنجولی و عباسی (۱۳۹۷) در مقاله «کنایه و قطب مجازی زبان در تاریخ بیهقی»، از دیدگاه یاکوبسن<sup>۱</sup> (۱۸۹۶-۱۹۸۲) به بررسی و تحلیل کنایه در تاریخ بیهقی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس این دیدگاه، در تاریخ بیهقی، غلبه زبان با قطب مجازی است و در میان کارکردهای مختلف زبان، کنایه به‌عنوان یک ویژگی سبکی و متعلق به قطب مجازی زبان، از اهمیت خاصی برخوردار است.

پناهی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی کنایه در شاهنامه فردوسی»، درصدد پاسخ به این پرسش بوده‌اند که کنایه و ابعاد هنری و بلاغی آن در ذهن و زبان فردوسی کدام است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که فردوسی در خلق کنایه‌های عام و خاص مهارت بسیار داشته و از انواع کنایه، از جمله تلویح و ایما و رمز بسیار استفاده کرده و همچنین کنایه‌های بی‌بدیلی از جمله «نهالی به دوزخ فرستادن»،

1. Roman Jakobson

«گاو کسی در چرم بودن» و «سر تیغ کسی نیام را ندیدن» را به ادبیات فارسی ارزیابی داشته است.

پناهی (۱۳۹۸) در کتاب *بازنمود کنایه در شاهنامه فردوسی*، به مبحث کنایه در شاهنامه پرداخته است. وی به ترتیب، بیت‌های هریک از نه مجلد شاهنامه فردوسی را که کنایه دارند، همراه با فهرست الفبایی کنایه‌ها در پایان کتاب ذکر کرده است.

سعید طاهری و قدرت‌الله طاهری (۱۳۹۹) نیز بر اساس محور زبانی، تقسیم‌بندی نوینی از کنایه ارائه کرده‌اند. در مقاله مذکور، به کنایات موجود در زبان عام و وارد شدن آن‌ها به زبان ادبی توجه شده و پس از تقسیم‌بندی کنایه به دوازده قسم، «کنایه از نسبت» به دلیل قدرت زیاد توصیف در آن، با ارزش‌ترین نوع کنایه معرفی شده است.

گندمکار (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای، کنایه را بر مبنای دیدگاهی ادراکی تحلیل کرده است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که سخن‌گویان با تکیه بر بافت‌های ادراکی، اعم از بافت زبانی، بافت موقعیتی و اطلاعات از پیش موجود در حافظه، کنایه‌ها را تعبیر و تفسیر می‌کنند و در این میان، وجود اطلاعات از پیش موجود در حافظه، در برداشت و درک کنایه‌ها نقش مهم‌تری ایفا می‌کند.

همان‌طور که از پیشینه پژوهش مشخص است، تنها در مقاله «نقش کنایه در ارتباطات غیر کلامی تاریخی بیهقی»، از رابطه بین کنایه‌ها و ارتباطات غیر کلامی سخن رفته و در پژوهش‌های دیگر به این موضوع توجهی نشده است. شایان ذکر است تفاوت جستار پیش‌رو با مقاله مذکور در این است که نگارندگان آن مقاله، از تأثیر کنایه‌ها بر ارتباطات غیر کلامی سخن گفته و بر این اعتقادند که این کنایه‌ها هستند که بر ارتباطات غیر کلامی تأثیر معنایی و مفهومی دارند؛ اما مقاله حاضر بر این نکته تأکید دارد که بسیاری از کنایه‌ها، معنا و مفهوم خود را از ارتباطات غیر کلامی و زبان بدن اقتباس کرده‌اند و این، به دلیل تقدم زمانی و نیز گستره کاربردی وسیع‌تر زبان بدن، نسبت به زبان ادبی است؛ یعنی انسان در بدو خلقت و پیش از شکل‌گیری ادبیات و متون ادبی، با زبان بدن سروکار داشته و از آن برای برقراری ارتباط بهره برده و برای آن معانی و

مفاهیم خاصی را قائل بوده است. بعدها این مفاهیم در قالب تعبیر کنایی وارد متون و زبان ادبی نیز شده است.

## ۲-۱. بیان مسئله

مهم ترین وسیله برقراری ارتباط بین انسان‌ها زبان است؛ اما علاوه بر آن، ارتباطات غیر کلامی و استفاده از زبان بدن نیز از جنبه‌های مهم تعاملات انسانی در میان جوامع است. هر کدام از رفتارهای غیر کلامی برای افرادی که در فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند، حاوی پیام و بار معنایی ویژه‌ای است. در فرهنگ ایرانی نیز رفتارهای غیر کلامی، معانی و مفاهیم خاص خود را دارند و همین عناصر غیر کلامی، منبعی است که زبان ادبی از آن به خوبی تغذیه کرده است.

کنایه‌ها یکی از عناصر ادبی محسوب می‌شوند که از بار معنایی رفتارهای غیر کلامی اقتباس‌های گسترده‌ای داشته‌اند؛ به طوری که بر اساس شواهد این جستار، می‌توان مدعی شد معنای بسیاری از کنایه‌های ادب فارسی، از مفاهیمی گرفته شده‌اند که در پس ارتباطات غیر کلامی وجود دارند. درک ارتباطات غیر کلامی در زندگی روزمره برای افراد عادی به سهولت انجام می‌شود؛ اما هنگامی که این عناصر غیر کلامی به عرصه ادبیات و زبان ادبی فرومی‌غلتنند، تبدیل به تعبیر کنایی می‌شوند و درک آن‌ها در اثر تلفیق با دشواری‌ها و ابهام‌های هنری زبان ادبی، قدری دشوار می‌شود و باید برای دیگران توضیح داده شود؛ از این رو، کشف و تحلیل رابطه ظریف معنایی که میان این دو مقوله زبانی و ادبی وجود دارد، می‌تواند در درک و فهم تعبیر کنایی، بسیار مفید و راهگشا باشد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱. کنایه

تعریف کنایه در کتاب‌های سنتی بلاغت عبارت است از: ذکر لازم و اراده ملزوم با جواز اراده لازم (رک: تفتازانی، ۱۳۷۴ق: ۳۲۳؛ سکاکی، ۱۳۰۸: ۱۷۰؛ رجایی، ۱۳۵۹: ۳۲۴)؛ به عبارت دیگر، کنایه، آوردن ملازم معنی در معنای معنی است؛ به نحوی که

ذهن از معنای نخست به معنای دوم منتقل شود. بسیاری از علمای بلاغت معتقدند کنایه سخنی است دارای دو معنی قریب و بعید که این دو معنی، لازم و ملزوم یکدیگرند و گوینده باید آن را به گونه‌ای به کار ببرد که ذهن شنونده به معنای دور منتقل شود (رک: آهنی، ۱۳۶۰: ۱۷۳، تجلیل، ۱۳۶۹: ۸۴؛ زرّین کوب، ۱۳۷۹: ۷۴). «در کنایه به علت عدم وجود قرینه ظاهری، اراده معنی حقیقی نیز خالی از اشکال است؛ اما تا این معنی حقیقی اشاره‌ای به معنای مجازی نداشته باشد، نمی‌توان آن را کنایه شمرد» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۱۷-۱۹).

در کتاب‌های بلاغی برای کنایه، انواعی قائل شده‌اند؛ اما «تقسیم‌بندی‌های علمای بلاغت هیچ‌گاه نمی‌تواند جدولی برای حدود آن تعیین کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). یکی از این انواع، کنایه از نسبت است که با نام کنایه‌های فعلی نیز از آن یاد می‌شود. از انواع مهم دیگر کنایه، کنایه‌های ادبی است. هر شاعری با ذوق هنری و ادبی خود می‌تواند کنایه‌هایی در شعر خود به وجود بیاورد. این کنایه‌ها بعدها توسط شاعران و نویسندگان دیگر و حتی مردم، مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفتنی است کنایه به لحاظ وضوح و خفای معنا، به چهار نوع ایما، تلویح، رمز و تعریض تقسیم می‌شود.

نکته مهم در کنایه، انتقال از تصویر اول به تصویر دوم است. ذهن در این انتقال، به یاری واژه‌هایی که تصویر آفرینی می‌کنند، قائل به تشخیص معنای اصلی می‌شود. از این منظر، «کنایه دو بُعدی است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۵۸). علاوه بر این بُعد از کنایه، به دلیل ذات تصویر آفرینی آن، می‌توان گفت کنایه، نقّاشی زبان است (همان: ۶۰). بُعد تصویرگری کنایه در زبان فارسی، گاهی با قدرت ارتباطات غیر کلامی و زبان بدن و گاه با توصیف روایتی در ارتباط است؛ از این رو، کنایه به آنچه در ذهن و احساس گوینده می‌گذرد، عینیت می‌بخشد؛ به نحوی که در ذهن مخاطب، دو تصویر از کلام گوینده نقش می‌بندد: تصویر نزدیک و تصویر دور. او به شکلی منطقی از تصویر نزدیک می‌گذرد و به تصویر دور می‌رسد. نکته پایانی اینکه مخاطب در این انتقال، دو تصویر از دو دنیای متفاوت را در قالب یک پیام ادراک می‌کند.



## ۲-۲. ارتباط غیر کلامی

ادوین امری<sup>۱</sup>، مفهوم ارتباط را در معنای عام، این گونه بیان می کند: ارتباط عبارت است از فنّ انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از شخصی به شخص دیگر. به طور کلی، هر فرد برای ایجاد ارتباط با دیگران و انتقال پیام خود به ایشان، از وسایل و روش های مختلفی استفاده می کند (رک: معتمدنژاد، ۱۳۵۵: ۳۶) که یکی از این روش ها استفاده از ارتباطات غیر کلامی است. ارتباطات غیر کلامی در تعاملات انسانی و روابط میان فردی، نقش برجسته ای دارد. بسیاری از نظریه پردازان علم ارتباطات نیز در آثار و پژوهش های خود از ارتباطات غیر کلامی با عنوان «زبان بدن» نام برده و آن را نوعی زبان به منظور برقراری ارتباط و انتقال بهتر پیام دانسته اند. بنا بر نقش پررنگ ارتباطات غیر کلامی در انتقال اطلاعات و روابط انسانی، باید آن را نوعی از زبان روزمره جهت برقراری ارتباط و تفهیم و تفاهم دانست. با توجه به بررسی های صورت گرفته، بیش از نیمی از ارتباط رودرروی افراد، غیر کلامی است. زبان بدن قبل از آنکه حرفی بزند، احساس ها و نگرش ها را به طرف مقابل منتقل می کند. بیشتر کسانی که از گفت و گو و انتقال پیام، نتیجه مطلوبی نمی گیرند، متوجه نیستند که حالت بدنشان دلیل اصلی ارتباط بد آنهاست. افراد با نخستین علامات و اشاراتی که مخابره می کنند، درک می شوند و مورد قضاوت قرار می گیرند و ادامه ارتباط آنها بستگی به این اشاره اولیه دارد (رک: گابور<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹: ۱۳).

ارتباط غیر کلامی برگرفته از رفتار غیر کلامی، از جمله حرکات و زبان بدن، ظاهر و حالات چهره، نحوه ادای کلمات، بلندی صدا، لهجه و جنبه هایی از محیط است که بر ارتباط تأثیر می گذارند (رک: وود<sup>۳</sup>، ۱۳۸۴: ۲۸۴ و ۲۸۵). ارتباط غیر کلامی، اثر یک پیام فردی را به سادگی منتقل می کند. نشانه های غیر کلامی می توانند به وسیله واکنش های عصبی ذاتی یا رفتارهای اکتسابی در یک فرهنگ ایجاد شوند و از دیگر سو، به شکل

1. Edwin Emery
2. Don Gabor
3. Juliat Wood

زبان بدن، اصوات آوایی، فضا و مجاورت، زمان، شامه، عطر و بو، محیط و زیباشناسی، مصنوعات، حرکت و سبک ارتباطگر پدیدار شوند (رک: ریچموند و کروسکی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸: ۱۸).

پیام‌های کلامی، تنها بخشی کوچک از ارتباطات میان‌فردی را تشکیل می‌دهند. پیام‌هایی که با استفاده از عناصر کلامی ارسال می‌شوند، اغلب با نظمی از علائم غیر کلامی همراه هستند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح و حتی گاهی کاملاً عوض می‌کنند. «در شرایطی که ارتباط کلامی آشکار، بنا به دلایلی دشوار یا غیرممکن باشد، ممکن است مبادله پیچیده‌ای از علائم غیر کلامی، از جمله نگاه خیره، لبخند، ژست‌ها، تغییرات وضع اندام و... جانشین آن شود» (فرگاس<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹: ۱۷۱).

نکته مهم در بحث ارتباط غیر کلامی، ارتباط غیرمستقیم و گاه پوشیده معناست. این نکته در باب کنایه نیز صادق است؛ زیرا به قول شفیع کدکنی، «کنایه یکی از صورت‌های بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. بسیاری از معانی را که اگر با منطق عادی گفتار ادا کنیم لذت‌بخش نیست و گاه مستهجن و زشت می‌نماید، از رهگذر کنایه می‌توان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

با توجه به کنایه‌های موجود در زبان فارسی درمی‌یابیم که بخش بزرگی از کنایه‌های منقول در زبان و ادبیات، برگرفته از عناصر غیر کلامی هستند؛ از این رو، شایسته است به بار غیر کلامی و ارتباط غیرمستقیم کنایه‌ها، چه در زبان و چه در ادبیات، توجه کنیم.

### ۳-۲. بُعد نمایشی شاهنامه

یکی از ابزارهای تصویرآفرین که شاعر یا نویسنده با به‌کارگیری آن می‌کوشد تصوّرهای ذهنی خود را به تصویر مبدّل کند، صنایع کنایه‌محور است. در این حالت، کنایه از ساحت دلالت بسیط خارج شده و پای به دنیای تلفیق و ترکیب می‌گذارد و معانی جدید اخذ می‌کند و تصاویر نو می‌سازد (رک: حسن‌پور آلاشتی و دیگران،

1. Richmond & Croskey

2. Joseph P. Forgas

۱۳۹۷: ۱۳۶). شاهنامه نیز به عنوان سند فرهنگی تبار ایرانی، یکی از نمایشی ترین آثار ادبیات فارسی است. منظور از نمایشی بودن شاهنامه این است که فردوسی با ظرافت خیال و اندیشه ادبی، بیش از روایت، بر توصیف و نمایش روایت تمرکز کرده و در این راستا، بیشتر از صور خیالی بهره گرفته است که این هدف را تقویت می کنند. می توان گفت «تصویر، وسیله بیان نمایشی شاهنامه و از عناصر بنیادی در ساختمان شعری این اثر حماسی است» (موسوی، ۱۳۸۸: ۲۲). با وجود اینکه فردوسی از صور خیال برای نمایشی کردن اثر خود بهره بسیار برده، چنان هنرمندانه این کار را انجام داده است که در وهله نخست، نظر مخاطب به مبحث صور خیال شاهنامه جلب نمی شود؛ بلکه در زیبایی ها و شکوه نمایشی این اثر غرق می گردد.

کنایه یکی از راهکارهای نمایشی کردن آثار است. «شاعران می کوشند با استفاده از تصاویر کنایی، مفاهیم انتزاعی را در قالب امور محسوس و طبیعی بنمایانند و با مهیا کردن زمینه عاطفی و احساسی، خواننده را برای پذیرش مفهوم یاری کنند» (فرح نژاد فرهنگ، ۱۳۹۴: ۱۲۴). در کنایه به جای آنکه چیزی را بگویند، تصویر آن را مثل نقاشی نشان می دهند (رک: وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۶۰)؛ یعنی در کنایه، به نحوی تصویرپردازی می شود که مخاطب در ساحت معنایی نزدیک کنایه با تصویر و در ساحت دوم و دور کنایه با پیام شنیداری، ارتباط برقرار می کند. در شاهنامه به دلیل ذات نمایشی آن، با کنایه های بسیاری از نوع واژه، ترکیب و جمله مواجهیم. «از لحاظ آماری، فردوسی در شاهنامه از کنایه بیش از هر عنصر هنری و ادبی دیگری استفاده کرده است» (موسوی، ۱۳۸۸: ۴۳۷). بررسی نگارندگان در این پژوهش نشان می دهد بخش عظیمی از این کنایه ها، برگرفته از رفتارهای غیر کلامی و زبان بدن هستند.

### ۳. بحث و بررسی

با توجه به کنایه های به کاررفته در شاهنامه، می توان گفت بار اصلی معنای کنایی، بر مفهوم رفتار غیر کلامی استوار است. بنا بر پژوهش پیش رو، کنایه های غیر کلامی موجود

در شاهنامه، کنایه‌های بهره‌گرفته از رفتارهای حرکتی، رفتارهای چهره، رفتارهای آوایی، عناصر ظاهر فیزیکی و عناصر محیطی است.

### ۱-۳. رفتار حرکتی

منظور از رفتار حرکتی، همان رفتار اندام است که منتقل‌کننده پیام یا نشانه‌ای باشد. با حدس زدن پیام حاصل از حرکات مختلف بدن افراد، می‌توان اطلاعات زیادی درباره آن‌ها به دست آورد. همچنین اشارات و رفتارهای حرکتی بدن به گفت و گوی کلامی شفافیت می‌بخشد و آن را تنظیم می‌کند. از طریق همین حرکات است که می‌توان احساسات خود را منتقل و کلمات ادا شده را تقویت کرد و بر آن‌ها تأکید ورزید و گاهی مطالب گفته‌شده را نقض کرد (رک: جمشیدی، ۱۳۹۱: ۹). به نظر برخی، هر حرکتی شبیه به کلمه‌ای در زبان است. اغلب یک کلمه مجزاً بی‌معناست و تنها وقتی یک رشته کلمات در یک جمله کنار هم قرار می‌گیرند، پیامی آشکار می‌شود. در بررسی رفتارها و حرکات اندام، باید به این نکته توجه کرد که اگر مجموعه‌ای از رفتارهای حرکتی، پیامی را منتقل کند، تأثیر بیشتری نسبت به رفتارهای حرکتی منفرد دارد (رک: بریسیچ<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۷). همچنین باید اشاره کرد که برخی از رفتارهای حرکتی، آگاهانه و پاره‌ای دیگر ناخودآگاه و انفعالی رخ می‌دهند که در هر دو صورت، انتقال پیام محقق می‌شود.

با بررسی کنایه‌های غیر کلامی در شاهنامه، مشخص شد که بخش بزرگی از این نوع کنایه‌ها، برگرفته از رفتارهای حرکتی است. تعبیر کنایی «گردن برافراختن» در بیت زیر، نمونه‌ای از این نوع کنایه‌هاست:

گهرها یک اندر دگر ساختند

دگر گونه گردن برافراختند

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۶/۱)

«گردن برافراختن» یا «گردن‌فرازی کردن» یک رفتار غیر کلامی و در شمار زبان بدن است. وقتی شخص، قصد سرکشی و عصیان دارد یا احساس زورمندی می‌کند یا به

موضوعی افتخار می‌ورزد، گردن خود را بالا نگه می‌دارد و حالت مغرورانه‌ای به خود می‌گیرد؛ بنابراین، مفهوم این رفتار غیرکلامی، تفاخر، غرور و خودپسندی بابت موضوعی است. حال، وقتی زبان ادبی از زبان بدن که در زندگی روزمره ما جریان دارد، وام می‌گیرد و این زبان بدن به قلمرو زبان ادبی فرومی‌غلتد، با همان بار معنایی و مفهوم قبلی خود، تبدیل به کنایه می‌شود یا بهتر است بگوییم بلاغیون و ادبا از آن به کنایه تعبیر می‌کنند. در کتاب‌های فرهنگ کنایات نیز «گردن‌افراختن» کنایه از قدرت از خود نشان دادن، خودنمایی کردن، خودپسند و گردن‌کش بودن (ثروت، ۱۳۷۵: ۴۱۳)، سربلند و بافتخار، بزرگ، باحشمت، نیرومند و قوی، متکبر و خودپسند، سرکشی و عصیان (انوری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴؛ میرزانی، ۱۳۷۸: ۷۰۴ و ۷۰۷) و دلاور و مردانه (دزفولیان، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۷۶۸) معنی شده است.

گیا رست با چند گونه درخت  
به زیر اندر آمد سرانشان ز بخت  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۶/۱)

«به زیر اندر آمدن» کنایه از مطیع و تسلیم شدن (ثروت، ۱۳۷۵: ۲۷۵) است. میرزانی این کنایه را به شکل «زیر پا آوردن»، کنایه از مغلوب کردن در نظر گرفته است (میرزانی، ۱۳۷۸: ۴۹۹). وقتی کسی در برابر دیگری سر به زیر می‌افکند یا طرف مقابل او را وادار به سرب‌زیری می‌کند، معنای تسلط و غلبه منتقل می‌شود. در دادوستد زبان ادبی و زبان عادی، این رفتار حرکتی وارد مقوله زبان ادبی می‌شود و کنایه «به زیر در آوردن» و «سرب‌زیری» را می‌سازد که در اصل، وام گرفته از همین رفتار غیرکلامی و حرکتی است.

شهنشاه را سرب‌سَر دوستدار  
به فرمانش بسته کمر استوار  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۷/۱)

«کمر بستن» کنایه از آماده خدمت بودن، آماده کاری بزرگ شدن، یکی از کنایه‌های پرتکرار در شاهنامه است. «کمر بسته» کنایه از مرتب و مهیا گشتن، نوکر و خادم (ثروت، ۱۳۷۵: ۴۰۰) و مستعد و آماده خدمت (میرزانی، ۱۳۷۸: ۶۸۳) نیز از «کمر بستن» ساخته شده است. پیش‌تر برای انجام کار یا آماده شدن برای انجام کاری که

نیاز به چالاکی داشت، کمر بند بر کمر می بستند که رفتاری حرکتی بود و با انجام آن به صورت غیر کلامی، معنای آماده شدن برای کاری به مخاطب یا بیننده منتقل می شد. این رفتار غیر کلامی در زبان بدن و در ارتباطات روزمره به معنای آماده شدن برای انجام کاری بود و پس از انتقال به زبان ادبی و قلمرو ادبیات، با همان بار معنایی، تبدیل به کنایه شده است. کمر بند گشادن، کنایه از توقف کردن و بازماندن از کاری (ثروت، ۱۳۷۵: ۴۰۰؛ میرزانی، ۱۳۷۸: ۶۸۶) و «کمر از میان باز کردن» به معنای از اقدام به کاری منصرف شدن (انوری، ۱۳۸۳: ۱۲۷۸) نیز از مفهوم همین رفتار غیر کلامی گرفته شده است:

هنوز آن کمر بند نگشاده ام  
همان تیغ پولاد ننهاده ام  
(همان، ۲۹۹/۱)

(برای شواهد بیشتر، رک: ۲۴/۲، ۳۱/۲، ۳۴/۲، ۳۸/۲، ۴۰/۲، ۶۵/۲، ۸۱/۲، ۱۲۹/۲، ۱۴۲/۲، ۱۶۴/۲، ۱۶۷/۲، ۱۹۵/۲، ۲۳۱/۲، ۲۴۵/۲ و ۶/۳).

طبق آمار این مقاله، از میان ۳۳۷ کنایه غیر کلامی شاهنامه، ۱۸۸ کنایه بر مبنای رفتار حرکتی به وجود آمده که اثبات می کند بیشترین نمود غیر کلامی کنایه در شاهنامه، برگرفته از رفتارهای حرکتی است. فردوسی با مهارت و ظرافت و با توجه به ویژگی ذاتی حماسه که با تلاش بدنی، دلیری، جنگاوری و پویایی در ارتباط است، برای نمایشی کردن کلام خود، از کنایه‌هایی بهره برده است که برگرفته از رفتارهای حرکتی‌اند. یکی از رموز موفقیت شاهنامه، نمایشی بودن کنایه‌های آن است؛ زیرا رفتارهای غیر کلامی، بر نمایشی کردن و ملموس بودن رویدادها می افزایند و رفتارهای حرکتی، بیشترین بار نمایشی کردن چنین کنایه‌هایی را در شاهنامه بر عهده دارند.

### ۲-۳. حالات چهره

چهره انسان، در انتقال پیام‌های مختلف، نقشی حسّاس، ظریف و اساسی دارد. «هنگام سخن گفتن با دیگران، اغلب به چهره آنان نگاه می کنیم و در بیشتر اوقات نسبت به سایر قسمت‌های بدن بی توجهیم. افراد در طول مدت گفت و گو، به طور متوسط بین یک تا

دوسوم زمان مکالمه‌شان به یکدیگر نگاه می‌کنند» (جیمز، ۱۳۷۷: ۱۲۱). چون در تعاملات انسانی، چهره انسان، بیش از سایر بخش‌های بدن، توجه مخاطب را جلب می‌کند، رفتارهای آگاهانه یا ناخودآگاه چهره، تأثیری شگرف بر روابط میان‌فردی می‌گذارد. «ما با چهره‌هایمان می‌توانیم مخالفت، ناباوری یا علاقه واقعی خود را به پیام‌های دیگران نشان دهیم. حالت‌های چهره ما، حالت روحی یا لحن کلام را تعیین می‌کنند و نسبت به سایر رفتارهای غیر کلامی، ارتباطات روزمره را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند» (ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). «چهره، گویاترین کانال ابراز عواطف است و این عواطف را می‌توان بر سب جنبه‌هایی چون خوشایندبودن یا ناخوشایندبودن و سطح برانگیختگی تقسیم‌بندی کرد. با این همه، برون‌فکنی‌های چهره نیز در انواع مجزا جای دارند؛ مثلاً در شادی، غم، شگفتی، خشم و... (رک: آرژیل<sup>۲</sup>، ۱۳۷۸: ۱۳۸). رفتارهای چهره، شامل رفتارهای چشم، دهان، لب‌ها، رنگ پوست، حرکات ابرو، پیشانی، بینی و گونه‌ها می‌شود. رفتارهای غیر کلامی در یک تقسیم‌بندی، به ارادی و غیرارادی تقسیم می‌شوند. رفتارهای غیرارادی، بیشتر مربوط به حالات چهره هستند.

رنگ چهره به دلیل ویژگی نمایشی و جنبه بصری قابل ملاحظه‌اش، نقش مهمی در ارتباط غیر کلامی و افشای هیجانات ایفا می‌کند. چهره در تعاملات فردی، اهمیت فراوانی دارد و از عناصر غیر کلامی دیگر، مؤثرتر و پرکاربردتر است (رک: ریچاردسون<sup>۳</sup>، ۱۳۷۹: ۳۲). نظریه پردازان حوزه ارتباطات معتقدند بعد از زبان، حالات چهره، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی است (رک: هارجی<sup>۴</sup> و دیگران، ۱۳۷۷: ۶۳). در ادامه، به مواردی از کنایه‌های شاهنامه که بر اساس رفتارهای غیر کلامی مربوط به چهره ساخته شده‌اند، اشاره می‌شود.

1. Judi James
2. Micheal Argyle
3. Jerry Richardson
4. Owen Hargie

**حركات چشم:** «چشم‌افکندن یا چشم‌گماشتن بر کس یا چیزی» کنایه از نگاه کردن (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۴۸) و نگریستن و نظاره کردن (میرزانی، ۱۳۷۸: ۲۹۴)، امیدبستن، اعتنا و توجه کردن و گرامی‌داشتن (انوری، ۱۳۸۳: ۴۰۳ و ۴۰۹) است. این کنایه از رفتار چشم در میان رفتارهای چهره برخاسته است:

نیایش به جای پسر داشتی                      جز او بر کسی چشم نگماشتی  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۴/۱)

چشم‌دوختن به کسی، از نظر علم ارتباطات، معنای توجه به کسی را منتقل می‌کند. این رفتار غیر کلامی از زبان عادی به حوزه ادبیات منتقل شده و در قالب کنایه درآمده است. «نگاه‌نکردن» در معنای کنایی توجه و رعایت‌نکردن نیز از همین رفتار غیر کلامی و حرکتی گرفته شده است:

همی به آرزو خواستی رسم و راه                      نکردی به فرمان یزدان نگاه  
(۱۱۰/۱)

یا

به پیر و جوان یک‌به‌یک ننگرد                      شکاری که پیش آیدش بشکرد  
(۲۵۲/۱)

کنایه «چشم بر زمین دوختن» و «چشم بر پشت پای دوختن» در معنای «فرونگریستن از شرم» (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۴۹) «سر به زیر انداختن و شرمسار شدن» (میرزانی، ۱۳۷۸: ۲۹۴) نیز در اصل، از رفتارهای غیر کلامی چشم به وجود آمده است:

زمین دید رودابه و پشت پای                      فروماند از شرم مادر به جای  
(۲۱۴/۱)

**رنگ چهره:** در برخی از حالت‌های هیجانی، از جمله هنگام خشم، شرم یا ترس، به صورت غیر ارادی، رنگ چهره تغییر می‌کند و سرخ، زرد یا سیاه می‌شود. «رنگ چهره به شدت با احساسات آدمی در ارتباط است و ضمن تحریک آن، نماد ذهنیات انتزاعی



و افکار گوناگون است» (آیزمن<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸: ۸). ضرب‌المثل معروف «رنگ رخسار خبر می‌دهد از سرِ درون»، ناظر بر همین موضوع است.

سرخ‌ی چهره از منظر علم ارتباط، منتقل‌کننده حالتی هیجانی است. در فرهنگ کنایات، «سرخ‌روی» کنایه از «آن‌که چهره‌اش از غضب برافروخته باشد» (ثروت، ۱۳۷۵: ۲۹۵)، «سرفراز و مباهی» (میرزانی، ۱۳۷۸: ۵۴۱) و «خشمگین شدن» (انوری، ۱۳۸۳: ۹۲۷) است. مفهوم و پیام تغییر رنگ چهره و سرخ‌شدن آن، از حوزه زبان بدن به حیطه کنایات و زبان ادبی رسیده است.

چرا پیش تو کاوه خام‌گوی  
بسان همالان کند سرخ‌روی  
(۶۸/۱)

از رنگ چهره و تغییرات یا عدم تغییر آن، کنایه‌هایی در زبان و ادبیات ساخته شده است، از جمله:

بیامد به رخس اندر آورد پای  
رخس رنگ بر جا یکی دل به جای  
(۲۰/۲)

که «رنگ چهره بر جای بودن» کنایه از بی‌هراس بودن یا به آرامش رسیدن است.  
یا

چو نامه بر او خواند فرخ‌دبیر  
رخ شهریار جهان شد چو قیر  
(۲۶۳/۲)

«قیرینه‌شدن روی» یا «سیاه‌شدن رنگ صورت» در اینجا کنایه از خشم و ناراحتی است. «رنگ سیاه نشانه قدرت، خشونت و تمرد است» (وود، ۱۳۸۴: ۳۱۹) این مفهوم کنایی، بازتابی از زبان غیر کلامی بدن است که مفهوم برافروختگی، عصبانیت و خشونت فرد را به مخاطب منتقل می‌کند.

«رخساره زرد بودن یا روی زرد شدن» کنایه از خجل و شرمنده شدن (انوری، ۱۳۸۳: ۸۲۵) یا ترسیدن (میرزانی، ۱۳۷۸: ۴۶۰) نیز از رفتارهای القاگر معنا و پیام است که نمونه‌اش را در بیت زیر می‌بینیم:

نهان دل خویش پیدا نکرد  
همی بود پیچان و رخساره زرد  
(۳۲۲/۲)

### حرکات لب و دهان: رفتارهای لب نیز منتقل‌کننده پیام است و در پهنه ادب

فارسی و زبان ادبی، کنایه‌های بسیاری از آن ساخته شده است:

که با توجه گفت آنک خندان شدی  
گشاده لب و سیم‌دندان شدی  
(۱۹۳/۱)

«لب گشودن»، کنایه از سخن گفتن (میرزانی، ۱۳۷۸: ۷۳۱)، «دهان باز کردن» کنایه از حرف‌زدن (انوری، ۱۳۸۳: ۱۴۰۶) و سیم‌دندان شدن، کنایه از شاد شدن و خندیدن (همان: ۹۸۴) است. لب از هم گشودن و خندیدن، نشانه شادی عمیق و خرسندی است و رفتاری غیر کلامی برای بیان شادمانی است که از این رفتار، کنایه مذکور به ادبیات راه پیدا کرده است:

چو نامه بخوانی به روز و به شب  
مکن داستان را گشاده دو لب  
(۱۴۲/۲)

«آویزان بودن لب و لوجه» (لفجه) کنایه از ناراحتی، ناخشنودی و عصبانیت است (انوری، ۱۳۸۳: ۱۴۰۶):

خروشان ز کابل همی رفت زال  
فروهشته لَفج و برآورده یال  
(۲۲۷/۱)

«لب پر از باد سرد بودن» کنایه از آه کشیدن و حسرت‌داشتن نیز به‌عنوان یک کنایه غیر کلامی در شاهنامه نمود پیدا کرده است:

همی گفت و مژگان پر از آب زرد  
پر افسون دل و لب پر از باد سرد  
(۳۳۷/۲)

(برای موارد بیشتر، رک: ۱۳۷/۳، ۱۴۶/۳، ۹۴/۵، ۱۴۰/۵، ۱۵۸/۵، ۱۸۸/۵، ۲۰۳/۵، ۲۱۷/۵، ۲۶۵/۵، ۲۹۰/۵).

از رفتارهای حرکتی، رفتار چهره، بیشترین نمود را در ساخت کنایه‌های غیر کلامی در شاهنامه داشته است. رفتارهای چهره در خلق احساسات شخصیت‌ها در شاهنامه، نقش پررنگی دارند؛ به‌ویژه اگر تعابیر کنایی در قالب چنین رفتارهایی ذکر شده باشد.

### ۳-۳. محیط

«عوامل محیطی به آن بخش از عناصر محیط اطلاق می‌شود که بر احساس و اعمال انسان‌ها مؤثرند» (وود، ۱۳۸۴: ۳۳۰). ادراک‌های محیطی می‌تواند از منظر روان‌شناسی، بر حالت‌های عاطفی افراد تأثیر بگذارد (رک: ریچموند و کروسکی، ۱۳۸۸: ۳۲۵). گاه به‌دلیل تأثیر عوامل محیطی، حس تحریک، هیجان، هوشیاری، شادی و اندوه منتقل می‌شود. از مهم‌ترین عوامل محیطی، می‌توان به زمان و مکان اشاره کرد که در انتقال احساس و پیام، نقش آفرینی می‌کنند. کنایه‌های نمایشی برخاسته از عناصر محیطی در شاهنامه نیز نمود پیدا کرده‌اند:

بیاورد لشکر ز کابلستان  
به هنگام بشکوفه گلستان

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱/۳۳۷)

«شکوفه»، کنایه از نور و روشنی و «شکوفه کردن» یا «شکوفه برآوردن»، کنایه از نور و روشنی دادن (ثروت، ۱۳۷۵: ۳۲۶) است. در این بیت، نورانی شدن گلستان در معنای آمدن فصل بهار ذکر شده است. این توصیف، توصیفی محیطی و ذکر ویژگی برای محیط به‌صورتی کنایی، درخندگی و طراوت گلستان را که ناشی از رسیدن فصل بهار است، به مخاطب انتقال می‌دهد و بدون آنکه مستقیم و به‌صورت کلامی، آمدن بهار را خبر دهد، ویژگی گلستان را در این فصل ذکر کرده است.

به هر هفت کشور توی شهریار  
ز هر بد تو باشی به هر شهر یار

(۳۰۸/۳)

هفت کشور که بر محیط تکیه دارد، کنایه از همه جهان، ربع مسکون (میرزانی، ۱۳۷۸: ۸۰۰) و هفت قسمت بزرگ جهان قدیم (ثروت، ۱۳۷۵: ۵۰۶) است. این کنایه نیز از عنصر غیر کلامی محیطی به وجود آمده و در اصل برای نشان دادن بخش زیادی از دنیا بوده که بعدها به صورت یک اصطلاح زبانی، از زبان به حیطة کنایه وارد شده است:

بدانگه که خیزد ز مرغان خروش

یکی ناله زارم آمد به گوش

(۳۱۷/۴)

خروش خروس و خروش مرغان، کنایه از بانگ آن‌ها (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۷۹) و بانگ خروس و پرندگان، کنایه از فرارسیدن سپیده دم است. این کنایه نیز از توصیف غیر کلامی محیط به وجود آمده است؛ یعنی ابتدا از این رفتار پرندگان، به صورت نشانه‌ای غیر کلامی، پیام آمدن صبحگاه حاصل شده و سپس در ادبیات، کنایه از سپیده دم شده است (برای موارد بیشتر، رک: ۳۲۶/۵، ۴۲۴/۵، ۱۱/۶، ۱۳/۶، ۲۶/۶، ۳۲/۶، ۴۱/۶، ۶۹/۶، ۲۳۴/۶).

فردوسی با مهارتی شگفت، صحنه‌های طلوع و غروب و فصول مختلف سال را در شاهنامه چنان استادانه به تصویر کشیده است که تأثیری عمیق بر حال و هوای مخاطب می‌گذارد و در موارد بسیاری، این صحنه‌ها را با کنایه‌هایی نمایشی و با بهره گرفتن از عناصر محیطی آراسته است. طبق بررسی‌های پژوهش حاضر، فردوسی در شاهنامه ۳۴ بار از کنایه‌های محیطی استفاده کرده است که پس از رفتارهای حرکتی و رفتارهای چهره، بیشترین بسامد را در میان کنایه‌های غیر کلامی شاهنامه دارد.

#### ۳-۴. ظاهر فیزیکی

ظاهر فیزیکی که با امور بصری در ارتباط است، بر انتقال معنا و مفهوم، تأثیر بسیاری دارد؛ زیرا انسان‌ها «در اجتماعی زندگی می‌کنند که نظامی از روابط در آن شکل می‌گیرد» (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۱۵). بخش مهمی از این نظام، مربوط به مصنوعات، از جمله پوشاک و زیورآلات است. پوشیدنی‌ها و زیورآلات، معرف شخصیت، فرهنگ، طبقه

اجتماعی، توان مالی و... است که پیام‌های مهمی را منتقل می‌کند. در شاهنامه، بخشی از کنایه‌های غیر کلامی، کنایه‌های مرتبط با ظاهر فیزیکی است. شواهد زیر، بیانگر این بُعد از کنایه‌هاست:

هر آن کس که با او بجوید نبرد  
کند جامه مادر برو لاژورد  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۵۵/۱)

«جامه لاژورد کردن» یا «جامه کبود کردن» کنایه از به سوگ نشستن و عزاداری کردن (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۲۹) و ماتم‌داشتن (میرزانی، ۱۳۷۸: ۲۶۶) است. این کنایه از عناصر غیر کلامی ظاهر فیزیکی که منتقل‌کننده پیام است به وجود آمده؛ زیرا در ایران به نشانه عزاء، جامه کبود یا سیاه می‌پوشند؛ بنابراین، آبشخور این کنایه، مفهومی است که در پس این ظاهر فیزیکی نهفته است:

چو سوگ پدر شاه نوذر بداشت  
ز کیوان کلاه کیی بر فراشت  
(۲۸۵/۱)

«کلاه کیی» کنایه از تاج و «برافراشتن کلاه کیی از کیوان» کنایه از به مقام والا رسیدن است. «کلاه برافراشتن» کنایه از ابراز وجود کردن نیز هست (میرزانی، ۱۳۷۸: ۶۷۳). کلاه که یکی از پوشش‌های حاوی نشانه و پیام است، در ادبیات فارسی دست‌مایه خلق کنایه‌های بسیاری شده است؛ از جمله کلاه بر سر نهادن که کنایه از به بزرگی رسیدن است:

فریدون نهاد این کله بر سرم  
که بر کین ایرج زمین بسپرم  
(۲۹۹/۱)

که در اینجا کنایه از بخشیدن مقام والا و به بزرگی رساندن است. «کلاه از سر برداشتن» یا «کلاه‌انداختن» معنایی متضاد از موارد مذکور را منتقل می‌کند:

خروشی برآمد ز توران سپاه  
ز سر بر گرفتند گردان کلاه  
(۲۳۰/۴)

که در اینجا کنایه از تسلیم شدن است. با توجه به شواهد مذکور می توان گفت کلاه که جزء پوشش و ظاهر فیزیکی است، بنا بر شرایط اجتماعی و محیطی، در رفتارهای غیر کلامی و فیزیکی، پیام های خاصی را با خود به همراه داشته است که این پیام ها در ادبیات فارسی و در قالب کنایه ظهور یافته اند.

بر آویخت الکوس با پیلتن پوشید بر زین توری کفن

(۱۱۳/۲)

«کفن پوشیدن» کنایه از به پیشواز مرگ رفتن و آماده شدن برای مرگ (ثروت، ۱۳۷۵: ۳۹۵) است. کفن که از پوشیدنی هاست، به صورت غیر کلامی، پیام مرگ را به ذهن متبادر می کند. اینکه کسی به استقبال مرگ برود، به قالب کنایی کفن پوشیدن وارد شده است (برای موارد بیشتر، رک: ۱۲۱/۶، ۱۷۰/۶، ۲۰۲/۶، ۲۷۷/۶، ۳۶۸/۶، ۳۷۹/۶، ۴۰۳/۶).

#### ۴. نتیجه گیری

کنایه یکی از عناصر مهم ادبی است که در زبان عادی به طور عام و در زبان ادبی به طور خاص به کار می رود. در طول زمان، کنایه ها را از جنبه های مختلفی بررسی کرده اند که یکی از آنها شناخت خاستگاه اسطوره ای، فرهنگی، ادبی و زبانی آنهاست. در این جستار، به بررسی یکی از آبشخورهای کنایات پهنه ادب فارسی پرداخته شد. بر ایند پژوهش نشان می دهد عناصر تشکیل دهنده کنایه های زبان فارسی، فقط عناصر کلامی نیستند؛ بلکه بسیاری از کنایه ها معنای خود را از عناصر غیر کلامی اقتباس کرده اند و یکی از اساسی ترین خاستگاه های کنایه های زبان فارسی، رفتارهای غیر کلامی و زبان بدن است. منظور از عناصر غیر کلامی، رفتارهای بدن، رفتارهای آوایی، رفتارهای محیطی، ظاهر فیزیکی و مواردی از این دست است که از آنها با عنوان کلی رفتارهای غیر کلامی یاد می شود.

بر اساس داده های پژوهش حاضر، بین معنی کنایه ها و مفهوم رفتارهای غیر کلامی، پیوند معنایی درک پذیری وجود دارد و درک ارتباط معنایی این دو مقوله ادبی و زبانی،

منجر به کشف ارتباط ظریفی میان زبان ادبی و زبان عادی می‌شود. در واقع، مناسبات معنایی این دو مقوله، حاکی از دادوستد زبان ادبی با حوزه‌های مختلفی از جمله زبان عادی و زبان بدن است. بسیاری از مفاهیم زبان بدن و رفتارهای غیر کلامی، وارد زبان ادبی شده و در این انتقال، بار معنایی خود را حفظ کرده و در قلمرو ادبیات در قالب کنایه نمود یافته‌اند. تنها تفاوت کاربرد معنایی این دو مقوله زبانی و ادبی این است که مخاطبان در زبان عادی و روابط روزمره خود به‌طور خودکار و به‌سهولت، مفهوم ارتباطات غیر کلامی را درک می‌کنند؛ اما همین رفتارهای غیر کلامی وقتی به فضای پیچیده، مبهم و مه‌آلود ادبیات وارد می‌شود، با همان بار معنایی، ولی در جامه‌ای جدید و قالب کنایه، خود را نشان می‌دهند و در اثر مجاورت با ابهام‌ها و پیچیدگی‌های زبان ادبی، فهم آن‌ها برای مخاطبان قدری دشوار می‌شود؛ بنابراین، با کمک مفاهیم رفتارهای غیر کلامی می‌توان مخاطبان را به‌راحتی با معنای بسیاری از کنایه‌های زبان ادبی آشنا کرد.

با بررسی دقیق کنایه‌های به‌کاررفته در *شاهنامه*، می‌توان گفت بخش عظیمی از این کنایه‌ها برگرفته از رفتارهای غیر کلامی و زبان بدن هستند؛ یعنی بار اصلی معنای کنایی بر مفهوم رفتار غیر کلامی استوار است. بنا بر پژوهش پیش‌رو، کنایه‌های غیر کلامی موجود در *شاهنامه*، کنایه‌های بهره‌گرفته از رفتارهای حرکتی، رفتارهای چهره، عناصر ظاهر فیزیکی و عناصر محیطی است. به‌نظر می‌رسد فردوسی برای نمایشی‌تر کردن اثر خود، از کنایه بیش از سایر صور خیال استفاده کرده است و کنایه‌های غیر کلامی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، جایگاه قابل‌توجهی دارند. گویی فردوسی با استفاده از چنین کنایه‌هایی، ساحت‌های نمایشی متعددی را در برابر دیدگان مخاطب قرار داده که صحنه‌ها، رفتارها و حتی گفته‌ها تأثیر شگرفی بر باورپذیری مخاطب گذاشته است.

## منابع

- آرژیل، مایکل (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*، ترجمهٔ مرجان فرجی، چ ۱، تهران: مهتاب.

- آهني، غلامحسين (۱۳۶۰)، معانی و بیان، تهران: بنیاد قرآن.
- آیزمن، لئاتریس (۱۳۸۸)، روان‌شناسی کاربردی رنگ‌ها، ترجمه روح‌الله زمزمه، تهران: بیهق کتاب.
- اسماعیل‌پناهی، عبدالحمید (۱۳۹۸)، بازنمود کنایه در شاهنامه فردوسی، چ ۱، البرز: جهاد دانشگاهی واحد استان البرز (خوارزمی).
- اسماعیل‌پناهی، عبدالحمید، علی محمد پشت‌دار، علی محمد گیتی‌افروز و حسین یزدانی (۱۳۹۸)، تحلیل و بررسی کنایه در شاهنامه فردوسی، فصلنامه کاوش‌نامه، سال ۲۰، شماره ۴۲، صص ۷۱-۹۴.
- انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ کنایات سخن، تهران: سخن.
- بریسیج، جوزف (۱۳۸۲)، راهنمای تصویری کامل زبان تن (هنر دیدن آنچه دیگران می‌اندیشند)، ترجمه باقر ثنایی و فرشاد بهاری، چ ۲، تهران: بعثت.
- بهمنی، شهرزاد، علیرضا حسینی و محمد غفوری‌فر (۱۳۹۶)، کارکرد هنری کنایه در شاهنامه فردوسی، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر خراسان در ادب پارسی، مشهد.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۷)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- تجلیل، جلیل (۱۳۶۹)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تفتازانی، مسعودبن‌عمر (۱۳۷۴ق)، المطول، قم: مکتبه الداوری.
- ثروت، منصور (۱۳۷۵)، فرهنگ کنایات، چ ۲، تهران: سخن.
- جمشیدی، زهرا (۱۳۹۱)، بررسی تحلیلی رفتارهای غیر کلامی در آثار داستانی هوشنگ گلشیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.
- جیمز، جودی (۱۳۷۷)، کلام جسم، ترجمه آرین ابوک، تهران: نسل نواندیش.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین، مصطفی میردار رضایی و راحیل محمدی ده‌عباسانی (۱۳۹۷)، بررسی نقش شگردهای کنایه‌محور در تصویرسازی براعت استهلال‌های نفثة‌المصدر، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۹، شماره ۱۷، صص ۱۰۷-۱۴۰.
- خدیور، هادی و ملوک شفیع‌ا قدم (۱۳۸۹)، بررسی کنایات شاهنامه در بخش تاریخی، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، صص ۵۹-۸۳.
- دزفولیان، کاظم (۱۳۷۹)، بهار عجم: فرهنگ لغات، ترکیبات، کنایات و امثال فارسی، ۳ جلد، چ ۱، تهران: طلایه.



- رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۹)، **معالم البلاغه**، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رزاقی شانی، علی (۱۳۸۹)، **بررسی ساختار کنایه از دیدگاه زبان‌شناسی**، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۲۳-۱۴۳.
- ریچاردسون، جری (۱۳۷۹)، **معجزه ارتباط**، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، چ ۱، تهران: آسیم.
- ریچموند، ویرجینیایی و جیمز سی مکروسی (۱۳۸۸)، **رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی**، ترجمه فاطمه‌سادات مولوی، تهران: دانژه.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، **شعر بی دروغ، شعر بی نقاب**، تهران: علمی.
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر (۱۳۰۸)، **مفتاح العلوم**، ارومیه: کتابخانه ارومیه (افست از روی چاپ مصر).
- سنچولی، احمد و عبدالله واثق عباسی (۱۳۹۷)، **کنایه و قطب مجازی زبان در تاریخ بیهقی**، نثر پژوهی ادب فارسی، سال ۲۱، شماره ۴۴، صص ۶۵-۸۴.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، **صور خیال در شعر فارسی**، چ ۱۲، تهران: آگاه.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، **از زبان‌شناسی به ادبیات**، چ ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- طاهری، سعید و قدرت‌الله طاهری (۱۳۹۹)، **تقسیم‌بندی نوین کنایه در محور زبانی**، کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۶۹.
- فرج‌زاد فرهنگ، زهرا (۱۳۹۴)، **نشانه‌های سبکی و ژانری در چند حماسه مذهبی با تکیه بر کنایه**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۶، شماره ۱۲، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، **شاهنامه**، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فرگاس، جوزف پی. (۱۳۷۹)، **روان‌شناسی تعامل اجتماعی (رفتار میان فردی)**، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، چ ۲، تهران: ابجد.
- گابور، دون (۱۳۸۹)، **مهارت‌های گفت‌وگو**، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، چ ۷، تهران: پیک بهار.
- گندمکار، راحله (۱۴۰۰)، **تعبیر کنایه در زبان فارسی بر مبنای دیدگاهی ادراکی**، مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، سال ۶، شماره ۱، صص ۲۶۹-۲۸۶.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳)، **نشانه‌شناسی**، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگاه.
- لاری دشتی، اسدالله (۱۳۷۸)، **فرهنگ کنایات شاهنامه فردوسی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- محسنی، مرتضی و سیداسماعیل جعفری پطروودی (۱۳۹۶)، **نقش کنایه در ارتباط‌های غیر کلامی تاریخ بیهقی**، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱۱-۲۸.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۵۵)، **وسایل ارتباط جمعی**، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- موسوی، سیدرسول (۱۳۸۸)، **صور خیال در شاهنامه فردوسی**، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور.
- میرزائیان، منصور (۱۳۷۸)، **فرهنگ‌نامه کنایه**، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۷)، **هنر حکیم توس در داستان رستم و اشکبوس**، پژوهش‌نامه ادب غنایی، سال ۶، شماره ۱۰، صص ۱۵۷-۱۶۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، **کنایه، نقاشی زبان**، نامه فرهنگستان، شماره ۸، صص ۵۵-۶۹.
- وود، جولیا (۱۳۸۴)، **ارتباطات میان فردی (روان‌شناسی تعامل اجتماعی)**، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ ۲، تهران: مهتاب.
- هارجی، اون، کریستین ساندرز و دیوید دیکسون (۱۳۷۷)، **مهارت اجتماعی در ارتباطات میان فردی**، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، چ ۲، تهران: رشد.

